

مقدمه ای بر آرشیو اسناد سازمان پیکار

نویسنده: تراب حق‌شناس

یادداشت: ۳۱ سال از ۱۴ بهمن ۱۳۶۰ که مرکزیت سازمان پیکار ضربه خورد می‌گذرد. مقاله زیر بدین مناسبت در صفحه اول می‌آید تا وسیله ای باشد برای باز خوانی برگی از تاریخ و تاکید بر تعهداتی که همچنان برایمان زنده است. اندیشه و پیکار، ۱۴ بهمن ۱۳۹۱.

مقدمه ای بر آرشیو اسناد سازمان پیکار

اندیشه و پیکار مسیر فکری، انتقادی و سیاسی و انقلابی گذشته ای را که به تشکیل سازمان پیکار و سرگذشت آن انجامید بر عهده می‌گیرد و خود را ادامه آن سنت انتقادی می‌داند. از فرازها و فرودهای آن طفره نمی‌رود و اسناد این دوره ۱۶ ساله (۱۳۴۴ تا ۱۳۶۰) را که بخشی از تاریخ جنبش ترقی خواهانه، مردمی و انقلابی و کمونیستی ایران است به تاریخ می‌سپارد و در دسترس همگان قرار می‌دهد، تا نه تنها برای خودش و کسانی که در این مسیر طی طریق کرده اند، بلکه برای آیندگان و هر پژوهشگری دستمایه ای باشد برای شناخت تاریخ؛ و چه بسا کمکی برای طرح های مبارزاتی نسل های آینده.

این مسیر در مرحله نخست، با نقد رفرمیسم جبهه ملی و نهضت آزادی و حزب توده آغاز می‌شود و هسته های اولیه سازمان مجاهدین خلق ایران پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ (و عمدتاً از ۱۳۴۴ به بعد)، به تدریج شکل می‌گیرد. با دستگیری بسیاری از کادرها و اعضایش در شهریور ۱۳۵۰ و اعلام موجودیت سازمان در ۲۰ بهمن همان سال؛ و با فعالیت سیاسی و نظامی و تبلیغی به عنوان یک نیروی اپوزیسیون «دارای برداشت مثبت، مترقی و انقلابی از اسلام» مطرح می‌شود و طیفی از نیروهای مخالف رژیم را نیز با خود همراه می‌کند. اسناد این دوره نشان می‌دهد که مجاهدین با چه میزان فروتنی، اما با اراده و ابتکار و تصمیم گیری مستقل (چه از نظر ایدئولوژیک و چه از نظر سیاسی) تلاش کردند راه مبارزه انقلابی و ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی را در چارچوب فرهنگ و دانشی که داشتند، بپیامند و چرا با وجود پایبندی ذهنی و عملی به «اسلام راستین» هم و غم اساسی شان سیاسی بود نه مذهبی؛ و چرا نظر آنان با آنچه به نام «روشنفکری دینی»، «ملی - مذهبی» و «اصلاح در اندیشه اسلامی» معروف شده تفاوت داشت و باز چرا درکشان از مبارزه مسلحانه با درک سازمان چریک های فدائی خلق نیز یکی نبود. کوتاه سخن اینکه گرایش سیاسی مجاهدین، انقلابی بود و ضدامپریالیستی و معطوف به زندگی و سرنوشت زحمتکشان و بدور از انحصارگری.

تا اینکه اکثریت سازمان در نیمه دهه پنجاه با نقد جوانب مهمی از اندیشه گذشته و جدایی از مذهب و سمتگیری به مارکسیسم - لنینیسم، مرحله دیگری از حیات و فعالیت را آغاز می‌کند که از جهاتی یعنی بینش فلسفی و سمتگیری اجتماعی با گسست از گذشته همراه است و در مواردی ادامه همان سنت پیشین است. نام سازمان تغییر نمی‌کند و به «مجاهدین م. ل.» یا «بخش منشعب» معروف می‌شود. نقد و ارزیابی از عملکرد این دوره چهار - پنج ساله در سال های ۵۶-۵۷ طی نشستهای شورای مسؤولین صورت می‌گیرد و در اعلامیه ای به تاریخ مهر ۱۳۵۷ منتشر می‌شود؛ دوره ای که چند ماه قبل از قیام بهمن با انشعاب در سازمان و تشکیل «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» و «دو گروه «نبرد برای آزادی طبقه کارگر» و «اتحاد در راه آرمان طبقه کارگر» به پایان می‌رسد. اسناد این دوره نیز بر بسیاری از ابهام ها و تحریف هایی که صورت گرفته پرتو می‌افکند و پژوهنده علاقه مند را در شناخت مشکلات و دستاوردها و ناکامی های گذشته یاری می‌دهد. اسناد منتشر شده و نشده ای که ارائه خواهد شد نشان می‌دهد که مبارزه انقلابی و کمونیستی چقدر برای آن مبارزان در آن دوره امری جدی تلقی می‌شده است. چقدر خطرات را به جان می‌خریده اند و چنان که اسناد مربوط به شرح حال مبارزان و شهدا نشان می‌دهد چقدر در معرض نفرت جریانات «خودی!» و سرکوب بی رحمانه رژیم شاه قرار داشتند. به یاد داریم نخستین زنی که در تاریخ معاصر ایران به جرم سیاسی، پس از شکنجه های بسیار اعدام شده یعنی منیژه اشرف

زاده کرمانی و نیز آخرین اعدامی زمان شاه، یعنی محمد رضا آخوندی که چند روز پیش از دیدار هئات صلیب سرخ و حقوق بشر از زندان، تیرباران شد، متعلق به این سازمان بودند. کینه ارتجاعی رژیم جدید و وابستگی هم به این جریان انقلابی چپ نیازی به توضیح ندارد.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر چند ماه قبل از قیام بهمن ۱۳۵۷ فعالیت نوین خود را شروع می کند. فعالیت های پیکار که زیر پرچم نوعی کمونیسم مستقل از قطب های جهانی و در رادیکال ترین شکل خود در برابر رژیم جمهوری اسلامی آغاز می شود (تحریم رفراندوم «آری یا نه به جمهوری اسلامی» و...) تا اواخر سال ۱۳۶۰ ادامه می یابد و با ضربات نظامی و پلیسی و به ویژه با ضربه به مرکزیت سازمان، خاموش می شود. این ضربات در جوّی فرساینده از اختلافات درونی رخ داد که بررسی محتوای آن ها به عرصه های ژرفتر و مضامین بحران جنبش کمونیستی بر می گردد. سازمان در زیر سرکوب های پیاپی از يك طرف، و سست شدن پیوندهای تشکیلاتی از سوی دیگر، فرصت دستیابی به راه حلی، حتی موقتی، نیافت و صدها کشته و صدها زندانی و نیز آوارگان بسیار در داخل و خارج به جا گذاشت. البته باید توجه داشت که سرگذشت سازمان پیکار جنبه های مشترك و مشابهی با سرگذشت کلیه نیروهای مخالف رژیم دارد که باید همه را در کنار هم دید و سنجید. پیدا ست که در اینجا قصد ما و امکان ما ارائه اسناد بازمانده از جریان مشخصی ست.

باری، به رغم خاموشی، پژواک فعالیت ها و اهداف سازمان پیکار در جامعه ایران از بین نرفته و صحت نسبی مواضع آن به عنوان يك سازمان مبارز چپ و کمونیستی به محک تاریخ خورده است: تلاش پیکار در تقویت هویت نظری چپ و استقلال آن، نفی مشی چریکی، سیاست را از سیاست بازی و از چانه زنی با حریف بیرون آوردن، آنهم در شرایطی که طرح و دفاع از این مواضع با مخالفت بسیاری از نیروهای چپ همراه بود، موضوعاتی فراموش نشدنی ست. همچنین نفی و طرد رژیم جمهوری اسلامی در کلیت و ماهیت طبقاتی و ایدئولوژیکش، نفی و افشای رفرمیسم، تأکید بر اتکاء به مبارزه کارگران و زحمتکشان که اکثریت جامعه اند، مخالفت مستمر با برقراری ولایت فقیه، افشای ماهیت ارتجاعی قانون قصاص، دفاع از حقوق برابر زنان با مردان، حمایت از حقوق اقلیت های قومی و مذهبی، دفاع از آزادی اندیشه و بیان، افشای خیمه شب بازی اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری، مقاومت جسورانه در برابر «انقلاب فرهنگی» و بستن دانشگاه و تصفیه استادان و دانشجویان مخالف که منجر به تظاهرات خونین اول اردیبهشت ۱۳۶۰ شد، ایستادگی و مخالفت سرسختانه با جنگ افروزی رژیم های ایران و عراق و جنگ ارتجاعی شان، افشا و عدم حمایت از آلترناتیوهای لیبرالی که در بنی صدر و نهضت آزادی و امثال آنها تجسم داشت و هشدار به سازمان مجاهدین و دیگران از افتادن به دام توهمات لیبرالی، افشای آنچه به نام اردوگاه سوسیالیسم وجود داشت و نیز افشای مواضع حزب توده و و بعدتر مواضع سازمان فدائیان اکثریت؛ همین طور نقد برخی از مواضعی که در سطح جنبش چپ و انقلابی مطرح می شد، حمایت بی دریغ از مبارزات ضد استعماری و ضدامپریالیستی خلق های خاور میانه (به ویژه فلسطینی) و در سراسر جهان، اهتمام به هنر مقاومت و هنر پرولتری، هنر متأثر در محلات توده ای، افشای مواضع و زندگی تن پرورانه و عوامفریبانه روحانیون و مراجع تقلید. همچنین جسارت انتقاد از خود و تغییر یا اصلاح نظرات اعلام شده و نیز برگزاری دوکنگره سازمانی (در اسفند ۵۷ و شهریور ۵۹)

در اسنادی که ارائه می شود علاوه بر نقاط قوت در آن شرایط تاریخی، از ضعف ها و نقائص تاریخی و اشتباهات تئوریک و عملی جمعی و فردی که در هر سه دوره مجاهدین، مجاهدین م. ل. و پیکار رخ داده نمونه ها و ردپاهایی هست که امروز با درکی ژرفتر می تواند فهمیده شود و مورد نقد و آموزش قرار گیرد.

مراحل سه گانه یاد شده در غیاب توجه به اسناد اصلی، می تواند در معرض تحریف و بد معرفی شدن قرار گیرد، چنانکه گرفته است. اسنادی که اسکن می کنیم و در اختیار عموم قرار می گیرد، می تواند پژوهشگر بی غرض را در جریان نقاط قوت و ضعف این جریان انتقادی سیاسی انقلابی در هر سه دوره آن قرار دهد و قضاوت و درسی اگر در میان باشد با آیندگان است.

اندیشه و پیکار بخشی از وظیفه خود را ارائه اسنادی می داند که از این کارنامه توانسته است گردآورد. این کارنامه ای ست که با انگیزه های نیرومند مبارزان هر سه دوره، و کار فشرده و سترگ و دلیرانه کسانی نوشته شده که غالباً با خون، و رنج زندان و زندگی مخفی، و فشار و عزلت های اجتماعی و سیاسی آمیخته بوده و نیز با شکیبایی انقلابی و کمونیستی، به امید گشودن راه به سوی جامعه ای انسانی خارج از چارچوب سرمایه داری و ابداع آینده ای ناشناخته به نام جامعه کمونیستی. ارائه اسناد این دوره از چندین سال پیش شروع شده و علاوه بر آرشیو ۱۲۷ شماره از هفته نامه پیکار (روی CD که ۸ سال پیش منتشر کردیم)، چندین کتاب و جزوه هم با تایپ مجدد (مانند کتاب «بیانیه اعلام مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران، مهر ۱۳۵۴ (یا به صورت اسکن شده، چه چاپی بوده است و چه خطی، همگی در ستون «آرشیو سازمان پیکار» روی سایت اندیشه و پیکار در دسترس علاقه مندان است یا خواهد بود. اسنادی صوتی هم هست که اگر از نظر فنی قابل استفاده باشد روی سایت خواهد آمد. اسناد هر سه دوره را جداگانه با آرم خاص هر یک می آوریم. از پژوهشگران خواهشمندیم اگر به موارد ناقصی برخوردند به ما اطلاع دهند تا در حد امکان در رفع آنها بکوشیم. هدف ما صرفاً فرهنگی نیست (هرچند این به جای خود مهم است)، بلکه بیشتر مبارزاتی ست. به گفته ویکتور هوگو: پیکرها برخاک، اما ایده ها برپا است.

از طرف جمع تنظیم و انتشار آرشیو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تراب حق شناس

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸ برابر با ۱ مه ۲۰۰۹

...ولی انقلابهای پرولتری ... مدام از خود انتقاد می کنند، پی در پی حرکت خود را متوقف می سازند و به آنچه که انجام یافته به نظر می رسد باز می گردند تا بار دیگر آن را از سر بگیرند، خصلت نیم بند و جوانب ضعف و فقر تلاشهای اولیه خود را بی رحمانه به باد استهزا می گیرند، دشمن خود را گویی فقط برای آن بر زمین می کوبند که از زمین نیروی تازه بگیرد و بار دیگر غول آسا علیه آنها قد برافزارد... مارکس، هجدهم برومر